

Application of family records and documents data in historical research (Approaches, requirements, and challenges)

Amir Mohammad Ahmadzadeh (Academic staff member of Cultural History Department, Research Institute of Humanities and Cultural Studies (corresponding author), m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir)

Farhad Nam Baradarsha (Doctoral student of Revolution History, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, official document expert, Documents Organization and National Library of the Islamic Republic of Iran, farhad.1363@gmail.com)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2022/01/23

Accepted: 2022/07/07

Key Words:

Documentary historiography,
Family and family documents,
Content analysis,
Semantic analysis

ABSTRACT

Document-based historiography has a micro-partial approach to historical phenomena. This approach is a reaction to the dissatisfaction with the grand narratives of history, which leads to ignoring principal share of the historical elements of the nations to unify the analyses. The current research was the answer to a question in the field of methods, uses, and the place of these kinds of documents among historical references. Representing the importance and priority of family documents in sociological studies is the focal point of this study, which can lead to doubts in some presuppositions or ideas accepted by researchers. New pieces of evidence and documents and their interpretations were presented in this study in order, and new interpretations were put on these documents. The research method was descriptive and analytical based on library sources and extraction of textual data of family documents, which was analyzed by presenting scientific approaches and tried to describe the requirements and challenges of researchers in this field. Historiography based on family documents helps to obtain historical and cultural data rarely present in government and official histories and documents and is less relevant to critics and historians. Finally, this research is placed in the field of applied methodology and tries to practice the ways of dealing with and using historical and ethnic data of family documents.

کاربست داده‌های اسناد خانوادگی و خاندانی در پژوهش‌های تاریخی (رهیافت‌ها، الزامات و چالش‌ها)

امیرمحمد احمدزاده (نویسنده مسئول، عضو هیأت علمی گروه تاریخ فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir)

فرهاد نام برادرشاد (دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، کارشناس رسمی اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ farhad.1363@gmail.com)

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

واژگان کلیدی:

تاریخ‌نگاری اسنادی،

اسناد خاندانی و خانوادگی،

تحلیل محتوا،

معناکاوی

چکیده

تاریخ‌نگاری سندمحور، رویکردی خرد و جزءنگر به پدیدارهای تاریخی دارد. این رویکرد، واکنشی به ناامیدی از روایت‌های کلان از تاریخ است که به نادیده انگاشتن سهم عمده‌ای از عناصر تاریخی اقوام در راستای یکسان‌سازی تحلیل‌ها می‌انجامد. پژوهش حاضر پاسخ به پرسشی در زمینه شیوه‌ها، موارد استفاده و جایگاه این دست از اسناد در میان مراجع تاریخی است. بازنمایی اهمیت و اولویت اسناد خاندانی در مطالعات جامعه‌شناختی مورد رجوع این مطالعه می‌باشد که می‌تواند به تردید در برخی پیش‌فرض‌ها یا انگاره‌های مورد پذیرش محققان انجامد. ارائه شواهد و اسناد جدید و تفسیر آنها در این مطالعه پایه‌پای یکدیگر به پیش می‌روند و تفسیری نو از این اسناد بیان خواهد شد. روش مطالعه در این پژوهش توصیفی و تحلیلی بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و استخراج داده‌های متنی اسناد خاندانی است که با ارائه رویافت‌های علمی واکاوی می‌شود و در توصیف الزامات و چالش‌های پیش‌روی محققان این حوزه می‌کوشد. تاریخ‌نگاری مبتنی بر اسناد خاندانی به دریافت داده‌های تاریخی و فرهنگی که به ندرت در تواریخ و اسناد حکومتی و رسمی حضور داشته و کمتر در تیررس نقد و شناخت مورخان هستند، کمک خواهد کرد و کاوش در تبارشناسی اسنادی خاندان‌ها و یاری در ایجاد و توصیف اطلس تاریخی قوم‌نگارانه را وجه عمل خود قرار می‌دهد؛ درنهایت این پژوهش در حوزه روش‌شناسی کاربردی قرار می‌گیرد و می‌کوشد شیوه‌های برخورد و استفاده از داده‌های تاریخی و قومی اسناد خاندانی را تمرین کند.

مقدمه

اسناد به‌عنوان مراجع معاصر با رخدادهای از منابع محوری پژوهش‌های تاریخی هستند؛ اگرچه این منابع برای توصیف و تحلیل رخدادهای خود بسنده نیستند و عموماً همراه مراجع تاریخی دیگر به‌کار می‌روند. اسناد خانوادگی و خاندانی به‌دلایل مختلف از جمله در دسترس نبودن برای محققان و متروک شدن در بقیچه‌ها و بایگانی‌های شخصی، جزئی‌نگر و مرتبط بودن با خانواده، خاندان یا جغرافیای خاص و در ادامه منتشر نشدن آنها، کمتر در دسترس محققان قرار گرفته‌اند. در این باره برخی دانش‌ها که معمولاً از آنها به‌طور مستقل به‌عنوان علم نام برده نمی‌شود و در ماهیت دانش‌های یاری‌رسان به تحقیقات علمی تاریخ هستند؛ به مورخین کمک می‌کنند. فیلولوژی، فقه‌اللغه یا دانش شناخت اسناد خطی و فرمان‌ها و زبان‌شناسی آنها از این جمله است. بیشتر فهرست‌نویسان اسناد قدیمی در آرشیوها تا حدودی با کمک این دانش به توصیف و خلاصه‌نویسی اسناد مشغول‌اند، ولی آنها تاریخ و علم تاریخ تولید نمی‌کنند. خوانش درست اسناد قدیمی امری معطوف به کشف است تا تولید. تولید محتوای تاریخی و تبدیل داده به امر مقرون به‌واقع (فکت) در رسالت علم تاریخ تعریف شده است. انجام پژوهش‌هایی در راستای روش‌شناسی، سنخ‌شناسی یا کارکردشناسی اسناد به‌طور کل یا اسناد خاندانی در جزء، عملی توأمان و کمکی دوسویه به تاریخ است؛ برای باز کردن دریچه‌ای نو از منابع و مراجع به روی خود در تحقیقات آینده و نیز کمکی به علم شناخت اسناد و فرامین در راستای ملموس‌تر کردن داده‌های اسناد و ارائه مطلوب و کارکردی کردن آنها است؛ درحقیقت مطالعاتی از این دست در مرز دو دانش فیلولوژی و تاریخ قلم می‌زنند و رهاوردش به‌دلیل استفاده از شیوه‌های تحقیقی دو دانش می‌تواند به نزدیکی آنها کمک کند. سرانجام پژوهش در متون دست اول از جمله اسناد خاندانی، داده‌هایی از عمق جامعه تولید می‌کند که در «عینیت بخشی» و «توالی تاریخی» (اکبری، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴) رخدادهای می‌تواند مؤثر واقع شود.

اسناد خاندانی را می‌توان همه اسنادی دانست که در ساختار شکلی یا محتوایی سند یا به روش معناکاوای، چه به‌شکل آشکار یا مستتر، اخبار و داده‌هایی از تبار خاندان‌ها، محل زیست اولیه آنها، گذشته تاریخی و قومی، عادات و حیات فکری ایشان، نظام

اقتصادی، قضائی، فرهنگ خانه و خانواده می‌دهند و بیانگر تحول و تطور آنها هستند. پژوهش حاضر به‌طور مشخص، داده‌های مختلفی از اسناد خانوادگی و اجتماعی همچون اسناد اقتصادی، حقوقی و شرعی، مکاتبات شخصی، قباله‌ها، عریضه‌ها و دست‌خط نوشته و... که مورد غفلت یا کم‌توجهی مطالعات تاریخی و فرهنگی بوده‌اند، بزرگ‌نمایی و اهمیت‌شان را پررنگ‌تر می‌کند. شیوه شناخت و تحلیل این اسناد با دیگر انواع اسناد تاریخی دیگر تفاوت چندانی ندارد و صرفاً به‌دلیل اهمیت خاص داده‌های آن و اخباری که از دل خاندان‌ها، هم‌زمان با وقوع وقایع می‌دهند، مورد توجه قرار می‌گیرند. این اسناد به‌دلیل بازنمایی ملموس‌تر موارث معنوی و فرهنگی اقوام به تولید داده‌هایی برای تاریخ‌نگاری اقوام یاری می‌رسانند. بدیهی است به‌دلیل ویژگی‌های این اسناد، امکان پژوهش‌های ثمربخش بر روی این دست از اسناد زمانی پدید می‌آید که به‌صورت مجموعه‌ای (مثلاً اسناد یک برهه زمانی، مکان یا خاندان خاص) بررسی شوند؛ زیرا توجه به تک‌برگ‌ها، نه امکان قیاس با اسناد دیگر و ورود به لایه‌های مختلف معنایی آن را ممکن می‌کند و نه امکان دریافت ساختار شکلی و محتوایی آنها را به‌طور کامل رفع می‌کند. این پژوهش حاصل تجربه زیست علمی نگارنده از اسناد خاندانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌باشد. این قلم‌نه برایش مقدور است و نه در چارچوب یک مقاله می‌تواند تمام کارکردهای تاریخی اسناد مورد مطالعه خود را بازگو و بازنمایی کند؛ بلکه این مقاله می‌تواند به‌عنوان فتح بایی در ورود و مطالعه روشمند و کاربردی به این حوزه شناخته شود.

پیشینه پژوهش

حجم قابل توجهی از اسناد خانوادگی از دوره صفویه تاکنون در بایگانی‌های خصوصی و اشخاص وجود دارد. آرشیو ملی ایران، بخشی از این اسناد را در کنار دیگر اسناد دیوانی و دولتی جمع‌آوری و در دسترس محققان قرار داده است. رویکرد پژوهش‌های تاریخی که منابع محوری آنها اسناد بوده‌اند، می‌تواند پیشینه و زمینه برای مطالعه حاضر باشد. مطالعه‌ای که به‌صورت نظری به اسناد پرداخته باشد، به رشته تألیف درنیا آمده است. مقاله «بازخوانی نیت‌مند اسناد در پژوهش‌های تاریخی» از محسن خلیلی و مقاله «اهمیت و کاربرد

روش‌های تحلیل اسناد در پژوهش تاریخی» از محمدمیر احمدزاده به استفاده و کاربرد برخی الگوهای تحلیل محتوایی داده‌های اسناد پرداخته‌اند، اما بیشتر مباحث این دو مطالعه تشریح اهمیت، چیستی اسناد (به‌طور عام) و جایگاه آنها در مطالعات تاریخی است. مقاله احمدزاده، روش‌شناسی و رویکردهای شناخته شده پژوهش در حوزه اسناد است که مبانی نظری این اثر در مقاله پیش‌رو استفاده شده است. پژوهش‌های عمادالدین شیخ‌الحکمایی در زمینه ساختارشناسی و تحلیل محتوای اسناد گوناگون تاریخی ایران و همچنین مطالعات سندمحور و تاریخ اجتماعی احمد اشرف ایران‌شناس مقیم امریکا، زمینه و پیشینه چنین مطالعاتی است. حسن زندیه در مقاله «راهکارهای شناخت استشهدان» مطالعه ارزشمندی را به انجام رسانده است. سید محمود سادات در زمینه کارکرد اسناد و تاریخ محلی بسیار قلم زده است. پژوهش‌های وی مبتنی بر اسناد تاریخی، اسناد خاندانی و محلی بسیار مورد رجوع‌اند. محسن روستایی در سال‌های گذشته هم در کسوت آموزش و هم نشر مقالات و کتاب‌هایی در زمینه اهمیت اسناد همچون تعابیری از سند و سندشناسی و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخی تلاش‌های ارزشمندی انجام داده و زمینه توجه بسیاری از تاریخ‌ورزان به این حوزه را فراهم کرده است. امید رضایی نیز تحقیقات سودمندی در زمینه ساختارشناسی اسناد شرعی و اسناد اوقاف به رشته تحریر در آورده است.

۱. رهیافت نظری پژوهش

پیگیری و کاربست رویکرد تاریخ‌نگاری اسنادی نه به معنای استفاده از دیدگاه سنتی اثبات‌گرایی رانکه‌ای یا اگوست کنتی و نه حتی بازگشت به الگوی وقایع‌نگاری صرف گذشته‌های دورتر است، بلکه در چارچوب جامعه‌شناسی تاریخی و اتخاذ الگوی تحلیل خرد است (احمدزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۰). پژوهش اسنادی، تحلیل و آنالیز آن دسته از اسنادی است که پژوهشگر داده‌های پژوهشی و اطلاعات خود را درباره وقایع، پدیده‌های اجتماعی و نمودهای فرهنگی و... از بین آنها جمع‌آوری می‌کند. این امر هم مستلزم توصیف است و هم تفسیر (صادقی‌فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴، ص ۶۴).

اگرچه رویکرد پوزیتیویستی، ابزارها و زمینه‌های اولیه پیشرفت در علم تاریخ را به بار آورد و جایگاه سند را بسیار مورد توجه قرار

داد، ولی الزامات سندپژوهی در حوزه اسناد قومی و خاندانی از راه کاربست الگوها و روش زبان‌شناختی تاریخی و جامعه‌شناسی زبان متن اسناد به دست می‌آید و این شیوه در جهت فهم پدیده‌ها و مفاهیم تاریخی و محلی است که با ارائه تفسیری برآمده از زمانه سند و تحولات آن دوره صورت می‌پذیرد (احمدزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۰). الگوی چنین طرح و مدلی در تاریخ‌نگاری جامعه‌شناسانه، افزون بر پیگیری و توجه به تاریخ خرد موردنظر آنالی‌های جدید از جمله امانوئل لادوری، نظریه بسیج (کنش جمعی) از چارلز تیلی است که رهیافت وی به تشریح در اثر بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص ۳۴۱-۳۸۳) ارائه شده است و در این پژوهش به‌عنوان پشتیبان نظری بحث به‌طور خلاصه طرح خواهد شد. رویکرد تیلی در توصیف اعتصابات و وقایع سیاسی و اجتماعی تاریخ مردم فرانسه، دوگانگی رویه جامعه‌شناسانه و استفاده از مراجع و اسناد و درک تاریخی در تبیین، جایگاه وی را در این زمینه خاص کرده است. وی درخواست می‌کند که برای دریافت مطلوب به سراغ اسناد و آرشیوها باید رفت و رنج درک و فهم اسناد را پذیرفت و با آزمودن‌های منظم و نظام‌یافته فرضیات خود از داده‌های اسناد، مسیرهای جدیدی در این حوزه بنیان نهاد (اسکاچپول، ۱۳۸۸، ص ۳۷۳). به‌نظر وی محققان و مورخان در بسیاری از مطالعات، مفاهیم و رخدادها را شبیه‌سازی و یکسان‌انگاری می‌کنند و آنها را براساس شواهد و مدارک در دسترس خود اعتبار و ارجاع می‌بخشند، ولی شیوه او سنجش ایده‌ها و مفاهیم تاریخی با پرتاب کردن آنها به درون اسناد و مقایسه پیش‌فرض‌ها با داده‌های اسناد بود؛ بدین ترتیب اندیشه‌ها و مفاهیمی که از این رهگذر راستی‌آزمایی و تأیید شدند، به‌عنوان پشتوانه‌های اصیل بحث وی مورد استفاده قرار می‌گرفت (همان، ص ۳۵۷).

براین اساس، اسناد نقش مهمی در بازسازی پازل وقایع گذشته و ملموس کردن تحلیل فرایندهای تاریخی دارند. معمولاً آنها تمام فرایند رخداد را ضمانت نمی‌کنند و بیشتر تأییدکننده هستند تا ایجادکننده امر واقع. دیدگاه‌ها و تفاسیر را غنی و سمت و سو می‌بخشند یا در مواردی اصلاح می‌کنند. اگرچه در برخی موارد، شاید تنها منبع برجای مانده برای بازیابی و بازسازی رخداد همان سند باشد، ولی در حقیقت اسناد خاندانی و خصوصی خود بسنده و خود تفسیر نیستند.

راستی آزمایی محتوا (در مقایسه با داده‌های دیگر) کمک می‌کند و هم پژوهش را در مسیر عینیت‌بخشی قرار می‌دهد.

از کارویژه‌های مهم اسناد خاندانی و خانوادگی خدمت به عینیت‌بخشی وقایع تاریخی و مطالعات وابسته به تاریخ از جمله قوم‌نگاری‌ها و بازنمایی موارث معنوی و فرهنگی خاندان‌هاست. واژه‌هایی که کاتب از بیان خود یا از زبان دیگران به کار می‌برد؛ بسامد آنها، وجه آرایش آنها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بسط آن، منابع اطلاعاتی هستند که محقق می‌کوشد بر مبنای آنها به شناختی از خاندان‌ها دست یابد؛ در همین راستا پژوهشگر می‌بایست در برگه‌های فیش‌گونه موارد مورد نظر خود را از اسناد دریافت کند. تحلیل اسامی و نام‌ها از جمله افراد یا زیست‌بوم، نوع خطاب قرار دادن زنان و مردان، مهرهای زنان و مردان سیر تحول آنها، شروط شرعی و عرفی قیدشده در اسناد، استفاده از واحدها و ممیزهای رسمی و عرفی، خطاب قرار دادن علما و مراجع مذهب و... می‌تواند نمونه‌ای از موارد مطروحه در برگه‌های فیش و تحلیل محتوای اسناد مربوطه باشد. تحلیل محتوا این مراجع می‌تواند برای بررسی جنبه‌هایی از فرهنگ و تغییرات فرهنگی به کار رود؛ برای مثال می‌توان اشعار، ادبیات و هنر یک فرهنگ را در زمان خاصی تحلیل کرد تا ارزش‌های موجود در آن عصر به دست آید و یا به مقایسه ارزش‌ها در زمان‌های متعدد مبادرت ورزید و دگرگونی ارزش‌ها را در طول زمان اندازه‌گیری کرد (فرانکفورد و نچمیاس، ۱۳۹۰، ص ۴۷۰-۴۷۲؛ طالقانی، ۱۳۸۱، ص ۹۸-۹۹).

پژوهشگر با تحلیل محتوا می‌تواند به ویژگی‌های اجتماعی برهه زمانی خاصی دست یابد؛ زیرا معمولاً نویسندگان در آثار خود به انعکاس مسائل و امور بااهمیت زمان خود می‌پردازند. با محوربندی ویژگی‌های اثر و بیان شاخص‌های به‌کار رفته در آن، می‌توان به بُعد نامحسوس و پنهان مسائل اجتماعی زمان نویسنده دست یافت. با تحلیل نامه، نوار، نوشته و سفرنامه می‌توان به بیماری، خصوصیات روحی و ذهنی افراد پی برد. از طریق روش روانکاوی پژوهشگر در تحلیل محتوای خود به دنبال شناخت عوامل مختلفی است که شامل خطوط کلی بر فکر، اندیشه، جهان‌بینی، دنیای ذهنی و نگرش‌های ایده‌آلیستی صاحب محتوای آن می‌باشد؛ افزون بر آن، با این روش می‌توان به شناخت

این پژوهش دو شیوه پردازش و استخراج داده‌های اسناد خانودگی و خاندانی را به‌منظور کاربست داده‌ها در پژوهش‌های تاریخی مورد مطالعه قرار داده، آنها را برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌کند. شیوه تحلیل محتوای کمی و کیفی، اطلاعات ظاهری و مرقوم‌شده در اسناد خاندانی را کاوش می‌کند و شیوه معناکوی به تفسیر لایه‌های درونی و پنهانی متن و بافتار متنی می‌پردازد.

۱-۱. تحلیل محتوایی اسناد

تحلیل محتوا فنی است که به کمک آن، ویژگی‌های خاص پیام‌های متون را به‌طور نظام‌یافته و عینی مورد شناسایی قرار می‌دهد (فرانکفورد و نچمیاس، ۱۳۹۰، ص ۴۶۹). تحلیل محتوا از تکنیک‌های مربوط به روش اسنادی است. روش اسنادی به کلیه متدهایی گفته می‌شود که در آنها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و آنالیز اسناد و متون برآورده می‌شود (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱، ص ۸۰)؛ این تحلیل و واریسی به وسیله محقق انجام می‌گیرد که کلمات، عبارات، اسامی، بندها، تصاویر، موضوع‌ها یا هر جلوه ویژه در متن اسناد که مورد نظر پژوهشگر می‌باشد، در برگه‌ای مجزا ثبت می‌شود.

تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره متون از جمله آثار ادبی، اسناد، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و... به کار بست. در هرگونه از منابع یا مدارک، رویکرد محقق برای تحلیل محتوا ممکن است خاص همان منابع باشد؛ زیرا راه‌های تحلیل، هم گسترده و هم به نوع مراجع وابسته است. تحلیل محتوا تکنیکی استقرانی و جزء‌محور می‌باشد که غایت آن (در مدل کمی و کیفی) این است که زوایای آشکار و هرآنچه در متن ظاهر شده را دسته‌بندی و داده‌های دریافت‌شده را آرایش و در برگه‌ها و فیش‌های پیش‌نویس تحقیق وارد کند و به‌صورت نظام‌مند در اختیار محقق قرار دهد. در این روش، داده‌های دریافت‌شده باید عادت‌های فکری، وضعیت و شرایط ارزشی و معنوی، طرز احساسی، افکار دریافتی و همه آنچه همچون پرده یا به اصطلاح صافی میان وقایع و کاتب و نیز میان حقیقت و برداشت از حقیقت قرار گرفته، استخراج و تحلیل شود (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۳۸). کیفیت داده‌های استخراج‌شده از اسناد، هم به

خوانش و برداشتی از خود متن نگاشته‌اند که تفسیر و فهم ویژه آنها از متن سند است. بدیهی است درک و دریافت تاریخمند معانی ظاهری و مستتر در کلمات این اسناد مبتنی بر پیش‌فهم‌های سندپژوه و مخاطبان چنین اسناد و مرتبط با آشنایی با فرهنگ جامعه زبانی و قومی موردنظر می‌باشد.

سندپژوه برای شناخت معانی به مطالعه آثار بافت -متنی، موقعیتی و فرهنگی- بر متن و نقل سند و نیز نمود اثر خود متن سند بر بافتار بیرونی و فهمنده‌های متن سند می‌پردازد (ساسانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱-۱۱۳)؛ به عبارت دیگر، رابطه اثر و مؤثر را مورد توجه قرار می‌دهد (روستایی، ۱۳۸۹، ص ۴۳). با این توصیف، برآیند فحوای متن سند و تأثیرات معنایی که فهمنده یا پژوهشگر چنین اسنادی از پیش‌فهم خود نسبت به اسناد و عناصر بافتاری متن درمی‌یابد، وجه عمل معناکاوی در اسناد خاندانی و قومی است. متن و بافتار متنی در پیوستگاری قوی با یکدیگر و به‌شکلی جدایی‌ناپذیر در کنار همدیگرند. شاید بتوان گفت هر متنی جزئی از بافتار متنی است و این دو در کنار یکدیگر قابلیت ارائه مفاهیم دارند. تفسیر یک رخداد را هرگز نمی‌توان درک کرد، مگر آنکه توصیف و تصویر کاملی از آن در اختیار داشته باشیم؛ زیرا معنای یک رویداد نه در ذات آن، بلکه در رابطه آن رویداد با دیگر رویدادهاست (استنفورد، ۱۳۸۸، ص ۳۲۰-۳۲۱) و نیز با بافت موقعیتی و فرهنگی آنها در ارتباط تنگاتنگ است.

معناکاوی اسناد، استنتاج و استخراج مفاهیم سند به‌عنوان برداشت و قراردادی فرهنگی، از یک جامعه زبانی و قومی خاص می‌باشد که برآمده از تفسیر لحظه‌ای یک واقعه یا معامله مندرج در متن سند است و در ارتباط مستمر با گفتمان فرهنگی حوزه جغرافیایی قومی، خاندانی و خانواده صورت می‌پذیرد. ماهیت معنا در پژوهش‌های اسنادی همواره کیفیتی ثابت و معین نیست و دریافت آن از سوی پژوهشگر اسناد خاندانی یکدست و یکجور نمی‌باشد، بلکه محصول رابطه نشانه و انگاره‌های مفسر آنهاست. بخش زیادی از معنا در چنین منابعی به‌وسیله نمادها، واژه‌ها، مهرها، موقعیت متن در سند، مفاهیم حقوقی و عرفی متن اسناد و شاید قطع کاغذ و دیگر پدیدارهای ظاهری سند منتقل می‌شود؛ با این توصیف همگام با پیش‌فهم‌ها و انگاره‌های مفسر اسناد، ممکن است معانی متکثری از آنها برداشت شود، ولی هیچ‌کدام

جریان‌های عمیق و پنهان اجتماعی دوره‌ای که نویسنده در آن می‌زیسته، دست یافت (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱، ص ۸۱-۸۳).

۱-۲. معناکاوی در اسناد

در قیاس با رهیافت تحلیل محتوایی اسناد خاندانی که داده‌ها و پدیدارهای آشکار و موجود در اسناد را استخراج می‌کند و با اطلاعات پیشینی پژوهشگر و نیز با قراردادن در جریان‌های اطلاعاتی اسناد هم‌رده و هم‌دوره به نتیجه می‌رسد، رهیافت معناکاوی در اسناد به‌شکلی پویا، نتیجه بیناکنش عامل‌های گوناگونی چون متن، ذهنیت کاتب یا موکل کاتب، بافت^۱ متنی،^۲ بافتار موقعیتی،^۳ فرهنگی و اجتماعی است که در هر سند تولید یا بازتولید می‌شود؛ به‌واقع معنا برآیند همه این مفاهیم و نیروهاست که به‌شکل تفسیر فهمنده از متن بروز می‌یابد (ساسانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰-۱۱۱). هر پدیداری که قابلیت تفسیر یا تحلیل داشته باشد، می‌تواند متن به شمار رود. متن نوعی زبان یا ابزاری می‌باشد که بازگوکننده واقعیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی است. متن رسانه بین نویسنده و خواننده است (ویر، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲-۱۲۴)؛ به عبارت دیگر در رابطه با اسناد خاندانی، متن هر چیز و هر نوشته‌ای است که در کنش با مفهوم یا دلالت بر معنایی دارد و با مخاطب یا فهمنده‌اش ارتباط برقرار می‌کند تا معانی و تفاسیری را منتقل کند. متن می‌تواند از آثار نوشتاری همچون کتاب یا سند باشد یا غیرنوشتاری چون بناهای باستانی و فیلم و عکس باشد.

ما برای درک معانی و استنتاج مفاهیم و برداشت‌های مستتر در متن سند، باید بتوانیم کاتب یا سازنده متن را بشناسیم یا با همدلی تاریخی وی را دریابیم. در این راستا باید به واکاوی خود متن به‌مثابه پازلی از بافتار جامعه خاندانی و قومی و به‌همه شنوندگان، گواهان، معترفان، متعهدان قیدشده در متن، حاشیه یا ظهریه سند به‌عنوان فهمنده و ضامن معنایی متن بپردازیم، زیرا گاه

۱. بافت در اینجا به مفهوم آنچه در پیرامون و هم‌زمان و هم‌مکان با متن سند و کاتب سند است.

۲. textual context؛ اشاره به متون مشابه، مجاور و متون پیشین و پسین در یک حوزه موضوعی دارد که می‌تواند نوشته، عکس، آگهی، نمودار، طرح، اشکال، مهر، امضا و... باشد. بافت متنی هم می‌تواند بر پیش‌فهم مخاطب یا پژوهشگر اسناد و کنشگران زمان ثبت اسناد مؤثر واقع شود و انگاره‌ها و پیش‌فرض‌هایی را برای وی ایجاد کند و هم روایتگر برخی از عناصر و مفاهیم درون متن باشد که در واقع تفسیر آنهاست (ساسانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱-۱۱۲).

۳. situational context؛ منظور موقعیت زمانی و مکانی است.

خانواده‌ها در راستای معیشت اقتصادی و دینی قوام یافته‌اند. گروه‌های پاک کردن قنات‌ها (ساکما، ۲۸۰۶/۴۹۳/۹۶)، تشکیل نگهبانان و پایش مزارع (ساکما، ۳۰۵۵۹/۲۹۳) در تقابل با هجوم عوامل انسانی و حیوانی، نهاد مربوط به ازدواج و جلوگیری از ازدواج‌های برون قومی و تعاملات و درگیری‌ها با خاندان‌های دیگر از راه این اسناد توصیف می‌شوند. ناگفته نماند که چنین اسنادی «کتاب‌باز نیستند که حاوی و پیشنهاددهنده پاسخ‌های ثابت و ایستا باشند. اسناد عموماً حاوی نکاتی به غیر آنچه هستند که در نگاه اول به نظر می‌رسند» (خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

۲-۱. ادبیات اسناد خاندانی

بافت فرهنگی، باورها، گرایش‌های قومی و مذهبی این اسناد از راه صناعت زبان منتقل شده است. صناعتی که در برخی موارد به شکل راز و نیاز کاتب و قلمش ظهور و بروز می‌یابد. این زبان در پیوستگار کاملی با گویش‌های قومی و خانوادگی است و با آن ما پدیدارهای فرهنگی اسناد را کشف می‌کنیم؛ زیرا اسناد به دلیل ویژگی منحصر به فردی که دارند، خوانش آنها معطوف به اکتشاف است. به تجربه می‌توان گفت که در این اسناد حتی لهجه‌ها در زبان اسناد منفعل نیستند. همین زبان تاریخی برای انسان پسادوره کتبه سند، هم خود زبان و هم واقعیت را بازنمایی می‌کند. این واقعیت محض نیست، بلکه بار معنایی خاصی را در چارچوب مشخصی منتقل می‌کند. «محوریت زبان و کدر بودن آن» به معنای چالش‌های زبان و حتی خط سند، انتقال و دریافت معانی را سخت و در برخی موارد صرفاً با شیوه تحلیل محتوا یا روش معناکاوای در اختیار قرار می‌دهد (احمدزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۳).

نقد و تفسیر محتوایی متن اسناد خاندانی برای محقق مقدور نیست، مگر اینکه اسناد زیادی از دوره مورد بحث خود را در دسترس و مطالعه کند و به مقایسه اسناد هم‌دسته پردازد و متن را در یک «مجموعه» مورد تفسیر قرار دهد تا با خط و محتوا و شرایط ادبی آن الفت گیرد و اغلاط نوشتاری، شیوه جمله‌بندی انواع توصیفات و... را بشناسد و به اصطلاح ذهن خود را مستمر در رفت‌وآمد بین موضوع، زمان و جغرافیای اسناد خاندانی قرار دهد. در چنین اسنادی «رخدادهای اجتماعی» و «تجلیات جمعی خانوادگی» منحصر به فرد نیستند، بلکه آنها جزء مجموعه یا اسناد

این معانی برای مفسر متن تصادفی و اتفاقی ایجاد نمی‌گردد (استنفورد، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹) و دریافتی بین واقعیت تاریخی و واقعیت درک تاریخی مفسر است.

اگر معناکاوای اسناد خاندانی و خانوادگی دقیق و روشمند صورت پذیرد، می‌توان متصور بود که برخی شرایط اقتصادی اقوام و خاندان‌ها، انصاف و کمک‌های همدلانه خانواده‌ها به یکدیگر و کشف نظم و نظام این کمک‌های داوطلبانه قومی در بحران‌ها و رخداد‌های متفاوت، شیوه‌های مختلف کسب معاش اشتراکی طوایف در نظام دهقانی و سهم‌بری کشاورزی (ساکما، ۳۸۷۵۴/۹۹۹)، چرایی اهمیت برخی گزاره‌ها در قباله‌های خانوادگی و آگاهی به امنیت و آسایش روانی خاندان‌ها و تشابهات و تفاوت‌های آن با خاندان‌های همجوار، شناخت عناصر دینی و مذهبی و حتی تحولات مذهبی ایشان، تغییر نام‌های جغرافیایی (ساکما، ۳۹۴۶۲/۹۹۹) و دخول واژه‌های بیگانه در زمان کوچ اختیاری، اجباری و خلیقات جامعه‌شناختی و... بازنمایی کرد.

۲. اسناد خانوادگی همچون منابع تاریخی

در مطالعه اسناد خاندانی، دانش‌های دیگری نیز به مورخ مدد می‌رساند: پالئولوژی (خط‌شناسی)، اونوماستیک (مطالعه و بررسی اسامی خاص فرهنگ‌ها و اقوام مختلف)، قوم‌شناسی، مهرشناسی، نسب‌شناسی و فیلولوژی (علم شناخت اسناد و مدارک) (فدایی عراقی، ۱۳۷۷، ص ۳). کمک این دانش‌ها به اسناد به صورت تعامل دوسویه A به B و B به A است؛ در نتیجه چنین فرایندی، اسناد و این علوم در مجاورت یکدیگر تقویت و بالغ‌تر می‌شوند.

بخش فراوان اسناد برجای مانده از خانواده‌ها مربوط به تعاملات اقتصادی، مکاتبات تجاری و اجتماعی بر پایه شرع و عرف محلی هستند؛ از جمله این اسناد مصالحه، مبیعه، ذمه‌نامه، وصیت‌نامه، تفکیک اموال و املاک و افراز، تمسک، هبه، شرط نامچیه، نکاح‌نامه، شهادت و استشهادنامه، رسیدهای پرداختی دیون، موضوع وقف و موقوفات، نامه‌های خصوصی خانوادگی و... هستند. با چنین اسنادی محقق می‌تواند به بازسازی و شناخت نهاد‌های اجتماعی و شکل‌های محلی (ساکما، ۳۱۰/۱۱۲۰۵)، رفع و رجوع مشکلات و مسائل مابین اقوام و خاندان‌ها پی ببرد و سازوکار این نهادها را دریابد. نهادهایی که از کنار هم بودن اقوام و

۲-۲. بوم‌شناسی: اطلس جغرافیای تاریخی خاندان‌ها

دانش انوماستیک^۱ به مطالعه و بررسی اسامی خاص می‌پردازد. این دانش مطالعه بر روی اسامی مکان‌ها (توپونیمی)، رودها (هیدرونیمی) و افراد (آنترونیمی) وجه عمل خود قرار داده است (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۸۱). جغرافیای تاریخی و اماکن ذکرشده در اسناد و شناخت تحولات آنها برای دانش تاریخ مهم و برای تاریخ محلی لازم است. رویکردی که با الگو قراردادن بینش نظریه‌پردازان آنالی در اهمیت جغرافیا در تاریخ‌نگاری، مسائل انسانی را در تماس با خاک یا واقعیات و توانمندی‌های جغرافیای محل زندگی خاندان‌ها مطرح می‌سازد. کاربست این دانش‌ها برای درک ملموس داده‌های تاریخی و توصیف عمیق‌تر سیر تحولات مختلف محیط زندگی خاندان‌ها اهمیت بسیاری دارد. چنین دانش‌هایی مورخ و محقق را ملزم به شناخت محل حدوث «رخدادها» و تعیین «هویت» اماکن تاریخی می‌کنند (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۸) و هر آنچه می‌توان در اسناد از گذشته این بوم‌های تاریخی دریافت کرد، به دقت مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهد.

پژوهشگر تاریخ باید رخدادها را در عرصه و بوم وقوعش دریابد؛ زمان‌مندی و مکان‌مندی دو بال و دو بعد اصلی هستی انسانی است؛ به‌واقع علم تاریخ منهای جغرافیا، نیمه تاریخ است. مکان و انسان دو پدیده وابسته به یکدیگرند. حضور یکی سبب معنادار شدن دیگری می‌شود. بوم، انسان را در مسیری قرار می‌دهد که روابط و پیوستگی خارجی وجود و در عین حال عمق ژرفای آزادی و اصالت وجودی وی را آشکار می‌کند؛ بنابراین نقش بوم زیست، هویت‌بخشی و نوعی آزادی است. برخی اماکن مدرن که نقش هویتی در آنها کمرنگ است، نوعی بی‌مکانی و احساس دور بودن از تعلق را منتقل می‌کنند؛ همچنان‌که تاریخ بدون مکان نیمه تاریخ است، مکان زیست و بوم بدون حضور انسان و تاریخ انسان مبدل به پهنه فضاگون می‌شود؛ زیرا حضور انسان اثر هویت‌بخش دارد.

عناوین بسیاری از نواحی، محله‌ها، مزارع، رودخانه‌ها و حدود و ثغور (ساکما، ۲۵۳۸۲/۲۹۶) که در اسناد مختلف خاندانی ثبت و درج شده، در گذر زمان تغییر نام داده است و

همدسته خود هستند. وقتی متنی (همچون اسناد خاندانی) در مجموعه‌ای قرار می‌گیرد، جنبه فردی خود را از دست می‌دهد و شکل منطقی‌تری می‌یابد و از تردیدهای ناشی تفاسیر روان‌شناسی فردی رهایی می‌یابد (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۷). توجه به هر سه ضلع شناختی (کشف موضوع، بوم‌شناسی و دوره زمانی) برای خوانش درست اهمیت دارد و به‌درک محتوای پیدا و پنهان اسناد کمک می‌کند؛ زیرا اسناد هرگز پاسخ‌های آماده و مفاهیم درونی خود را ساده ارائه نمی‌کنند. چرخه ایجاد اسناد خاندانی برای پاسخ‌گویی به مورخ و محقق نبوده است.

اگرچه ادبیات اسناد خانوادگی تحت تأثیر ادبیات ساختاری و محتوایی منشیان رسمی در کتابت بوده است، ولی تمایزات بسیاری دارد که به فهم و ذهنیت راوی یا کاتب باز می‌گردد که معمولاً در چارچوب عرف خانواده می‌نوشت. حتی اگر کاتب ارتباط نسبی و سببی با خاندان متعامل در سند نداشت، الزامات و اقتضانات فرهنگی ایشان را در نظر می‌گرفت. این وضعیت به درک اکنون ما از بافت فرهنگی قوم و خاندان یاری می‌رساند. واژگان‌شناسی اسناد خاندانی اطلاعات ارزشمندی را در اختیار محقق قرار می‌دهد؛ زیرا معانی موجود در مفاهیم و واژه‌ها نه طبیعی، بلکه قراردادی و تاریخمند هستند و در چارچوب بافت متنی و موقعیتی تفسیر می‌شوند. در نتیجه آگاهی از تطور تاریخی واژگان، محل بحث برای اکتشاف دوباره، تصحیح و تفسیرند. واژه‌ها برآمده از زبان انسان تاریخمند هستند؛ بدین مفهوم که معانی و استنباط از آنها در گذر زمان همیشه یک‌جور و ایستا نمی‌ماند و کمابیش سیال هستند (رضوی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷). سیال بودن برداشت ما از این واژه‌ها ناشی از شرایط گفتمانی و زمانی است که از آن به عنوان جبر بیرونی (فهم قسری) نام می‌برند (رضوی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷). فهمی که محیط، جامعه و بافت هر عصر بر کاتب و کتبه سند اثر می‌گذارد و هم ساختار بیرونی و ظاهری اسناد خاندانی را تحت تأثیر قرار داده، و هم خرد شخصی کاتب و وقایع‌نگار را به سوی خرد جمعی و محیطی سوق می‌دهد و به‌دنبال آن شرایط گفتمانی معمول محیط را پذیرا می‌شود؛ براین اساس همه اسناد خانوادگی خود به نوعی اسناد خاندانی و قوم‌نگارانه به شمار می‌روند.

1. onomastique

صرفاً راهی به مکان زیست یا کشاورزی و... نیست، بلکه منزلگاه‌ها (ساکما، ۹۹۹/۳۹۷۵۵)، رباط‌ها، پل‌ها، بنادر، ایستگاه‌های مختلف نظامی تا گمرکی و مالیاتی، زائرسراها (ساکما، ۲۹۳/۱۲۴۸۰۹) در همین بستر کاوش می‌شوند (ساکما، ۲۹۳/۳۵۳۹۳). آیا مراد از جاده نمی‌تواند انسان‌هایی باشد که از آن عبور می‌کنند؟ و اشاره به رونق و تحرک این جاده‌ها و منزلگاه‌ها یا متروکه شدن آنها در اسناد، نمودی از فعالیت اقتصادی یا امنیت اجتماعی منطقه باشد.

پژوهش در زمینه اماکن و املاک خاندان‌ها (ساکما، ۲۳۲/۱۲۴۵) می‌تواند به تهیه اطلس جغرافیای تاریخی اقوام و خاندان‌ها کمک کند. مراد از این اطلس‌ها، یاری به پژوهش‌های تاریخی و قوم‌نگارانه و رهیافت نوین این بخش از پدیدارهای تاریخی است. نام مکان‌ها تحت تأثیر تغییرات و تحولات آوایی فرسوده و تحلیل می‌رود، حتی ممکن است در برابر نام‌گذاری جدید کلاً به فراموشی سپرده شوند (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۸۹). این شرایط برای اسامی رودها و آبگیرها و دیگر اماکن صورت می‌پذیرد. جابه‌جایی اقوام و خاندان‌ها به وسیله حکومت‌ها، تغییر کاربری اماکن یا خشک شدن آبگیرها، روی دادن وقایع خاص در آن اماکن و یادواره حضور بزرگان قوم در یک مکان و تغییرات در حدود اراضی به علت تفکیک اراضی اربابی و خالصان یا استعمال اسامی توصیفی و دعاگونه (اشرف، ۱۳۶۸، ص ۳۵) به تغییر نام مکان‌ها و حتی قریه‌ها می‌انجامد. اسامی رودها، کوهستان‌ها و اسامی جغرافیای طبیعی موجود در اسناد خاندانی، حتی هنگامی مفهوم آنها دقیقاً روشن نیست و جغرافیای منطقه به علت ورود و دخالت انسان تغییر چهره داده است؛ به وسیله سنت‌ها نسل به نسل منتقل می‌شوند و رد پای اسامی خاندان‌ها و اقوام تاریخی را در خود نگه می‌دارند. این اسامی خاص حکم شیء زنده در فرهنگ‌ها را دارند؛ متولد می‌شوند، زندگی می‌کنند و می‌میرند. مطالعه این اسامی موجود در اسناد خاندانی بیش از آنکه تحقیقی جامع درباره اشتقاق کلمات باشد، توصیف‌گر مجموعه‌ای از حوادث تاریخ اجتماعی‌اند که در یک اسم خاص مکانی مجسم شده‌اند.

تشخیص هویت آنها کمی دشوار خواهد بود. قرای ذکرشده در اسناد در موارد فراوانی به مکان‌های جمعیتی بزرگ‌تر تبدیل شده‌اند. البته کم نیستند روستاها و مکان‌های تاریخی که به دلایل مختلف خالی از سکنه و هم‌اکنون در تاریخ خاموش‌اند. با مکان‌یابی دقیق براساس اسناد مزبور و جای‌گذاری آنها در مکان تاریخی خود، ما به رؤیت تاریخ در پهنه جغرافیا دست می‌یابیم (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۱۱). برخی وجوه تاریخی سیاسی، اجتماعی و مسائل اقتصادی، به‌ویژه در حوزه روستاها یا محل زندگی اقوام و خاندان‌ها با شناخت دقیق و توصیف امکان‌جغرافیایی تاریخی میسر می‌شود؛ همچنان‌که بازدید بصری از چنین مکان‌هایی بر درک تاریخی محقق می‌افزاید. عناوین بسیاری از محصولات کشاورزی و به نوعی رژیم غذایی (ساکما، ۲۰۳۹۸/۲۹۶) اقوام و خاندان‌ها (مورلی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰-۱۰۸)، اراضی مربوط به آن، قنوات، طاحونه‌ها، چاه‌ها (ساکما، ۹۹۸/۶۴۰۵) ... که موجب استمرار مدنیت و «تمدن»‌های محلی خاندان‌ها بوده‌اند، در این اسناد به تفصیل و دقت ذکر شده‌اند. رژیم غذایی روزانه مردم بر سرنوشت، فرهنگ و جامعه خاندانی اثرگذار بوده است (مورلی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰-۱۰۸). اراضی کوت‌کار (ساکما، ۲۹۳/۱۷۷۹۵)، زمین‌های گردک‌کان (ساکما، ۹۹۹/۲۸۳۷۶)، ملک پاریاب (ساکما، ۹۹۹/۳۸۶۰۲) یا منطقه سیر، منطقه زعفران، محال انار (جانب‌الهی فیروزآبادی، ۱۳۹۰، دفتر چهارم، ص ۳۵۷-۳۶۶)، ملک سادجه (ساکما، ۹۹۹/۳۹۴۵۷) همه اینها از اراضی و محصولات کشاورزی که رژیم غذایی خانواده‌ها وابسته به آنهاست، خبر می‌دهد و در کنار آن نظام سهم‌بری دهقانی را برای مالکان، مستأجران، آبیاران و قنات‌داران و... نشان می‌دهد. هرچه این مناظر تاریخی سنتی و بوم خاندان‌ها بهتر درک شود، ادراک و دریافت عمیق‌تری نسبت به تاریخ اقتصادی و اجتماعی مناطق و اقوام خواهیم داشت.

به تجربه دریافته‌ایم که الفت محقق به موضوع تحقیق و اسناد خاندانی سبب انگیزش و به شرح عینی‌تر از رخدادها می‌انجامد و انسان را به تماشای تقارب و تقابل بی‌پایان آدمی و محیط زیست خانواده‌ها در دل تاریخ می‌برد.

از جاده‌های تاریخی، مسیرها و محل‌گذرها در برخی اسناد خاندانی سخن به میان آمده است. منظور از جاده در این متون

۲-۳. نام‌ها و انساب

محرران و کاتبان در زمان درج اسامی در اسناد خاندانی بنابر قاعده منحصر به فردی عمل نمی‌کردند. درج اسامی افراد ذی‌نفع در اسناد به‌طور معمول با نام پدر آورده، ولی همراه اسم کنیه، شغل، علائم خاص (بیماری یا نابینایی) یا شهرت ویژه نیز ذکر می‌شد (گرونکه، بی‌تا، ص ۷۴-۸۵). همواره همه عناصر هویتی شناختی همیشه آورده نمی‌شد. احتمالاً درج اسم، افزون بر نام پدر به‌سبب متمایز کردن وی از افراد همنام بوده یا شناخت و دسترسی با آن نام مقبول‌تر بوده است. در برخی اسناد هم بی‌دقتی وجود دارد و فقط اسم شخص بدون هیچ شاخصه هویتی دیگر ذکر شده است (شیخ‌الحکامی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰). گاه نیز این اسناد به شناسایی یا ردیابی خانواده‌هایی کمک می‌کنند که اعضایشان در زمان انعقاد سند به‌عنوان وکیل، شهود یا متولی و قیم ... دخیل بوده‌اند. بسیاری از اسامی ذکر شده در اسناد خاندانی دارای پیشوند و پسوند هستند: خواجه، بابا، آقا، حاجی و جاجیه و...؛ همین نمونه‌ها ممکن است در یک سند به‌صورت پیشوند و در سند بعد پسوند باشد و چنین به‌نظر برسد که با نام و شخص دیگری روبه‌رو هستیم. در نظر داشته باشید که این پسوند و پیشوند در مواقعی با جغرافیای زندگی، نسبت شغلی و منصبی، علمی، تخلص و ویژگی‌های شخصیتی و جسمی و نسب خاندانی مرتبط هستند (همان، ص ۱۴۰-۱۴۳).

درج و حضور اسامی زنان که در بسیاری منابع تاریخی محذوف‌اند، از نقاط قوت اسناد خانوادگی و خاندانی است. اساساً اسناد خاندانی جنسیت محور نیستند؛ زیرا جایگاه و فعالیت‌های زنان (ساکما، ۲۹۳/۷۴۴۳۶) در اسناد قومی با آنچه در تواریخ رسمی و حکومتی است، تفاوت دارد. در این اسناد زنان در فعالیت‌های تجاری، ملکی، عبادی و حقوقی حاضرند (ساکما، ۹۹۹/۳۹۳۶۹) و برخی از اسامی صرفاً در این اسناد قابل ردیابی‌اند. با این اسامی می‌توان به نوع اندیشه و باورهای خانواده‌ها پی برد. اسامی که در آنها ردی از مذهب، احترام به طبیعت، یادآوری نام بزرگان خاندان، درخواست از خداوند، اسطوره‌ها وجود دارد؛ پس شناخت برخی اسامی قومی منوط به شناخت زمینه‌های فرهنگی و اسطوره‌ای و حتی گویش و لهجه‌شناسی خاندان‌هاست. این اسناد چون کتبه غیرآکادمیک و

غیررسمی دارند و صرفاً چارچوب‌های سنتی را رعایت می‌کردند، بی‌دریغ داده‌های فرهنگی و قومی را ارائه می‌دهند و این رویکرد اسنادی برای پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی، نه تنها یک ضرورت بلکه یک امتیاز است (ساروخانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴). با مطالعه برخی اسامی دوبخشی از دو زبان مختلف، اسامی ترکی و فارسی یا ترکی و عربی می‌توان به حضور اقوام دیگر یا وصلت‌ها یا اشاعه فرهنگی آنها پی برد. از این رهگذر ممکن است تغییرات آوایی در زمان جاری شدن اسامی بر زبان شفاهی ایجاد شود که معمولاً کوتاه‌تر هستند. البته این تغییرات آبی نیست و در فرآیند و به تدریج تحول می‌یابند (ساماران، ج ۲، ۱۳۷۰، ص ۲۸۵). شهود، معترفین و مهرهای اسناد نیز ممکن است در شناخت رجال و نام‌ها کمک چشمگیری کنند. مهرها در واقع ضامن عهد و میثاق و در راستای جلوگیری از نقض آنها به‌عنوان علامتی ملموس، متقن و انکارناپذیرند.

۲-۴. تبارشناسی اسنادی

یکی دیگر از موضوعات قابل بررسی در اسناد خاندانی «نسب‌شناسی» است. از رهگذر اسناد ما با اسلاف، اخلاف و وابستگان ایشان به‌صورت عمودی و ارتباطات شغلی و کاربه‌دستان آنها به‌صورت افقی آشنا می‌شویم. رجال‌شناسی اسنادی اهمیت ویژه شناخت افکار و عقاید بزرگان قوم و تطور آن را به تصویر می‌کشد. برخی از خانواده‌های صاحب موقعیت خاندان همچون ایلخان در میان اقوام بختیاری می‌توانستند علائم یا نشانه‌های خانوادگی داشته باشند. فهرست خانواده‌های اصیل قوم یا منطقه، خاطرات و تک‌نگاری آنها مواد و مصالح ارزشمندی از تاریخ قوم یا حتی منطقه را نشان می‌دهند (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۶۶). مهاجرت و تغییر مکان خاندان‌ها و فعالیت‌های مختلف در مکان‌های جدید را می‌توان دریافت (ساکما، ۲۹۳/۱۲۱۹۳۴)؛ زیرا بیشتر اخلاف اقلیت‌های دینی (ساکما، ۲۳۲/۱۲۴۵)، خاندان‌های مذهبی (ساکما، ۲۹۶/۲۰۶۱۹) و نیز ۹۹۸/۶۵۷۳) و تجاری (ساکما، ۹۹۹/۴۰۲۰۷) به شهرهای دیگر عزیمت می‌کردند و شهرت و اعتبار و گذشته تاریخی و قومی خود را به آن شهر منتقل می‌کردند. در این بین با خانواده‌های دیگر ارتباط فامیلی و شغلی می‌یافتند. زمانی که نام، عنوان و شهرت

۳. چالش‌ها

حجم بزرگی از اسناد خانوادگی و خاندانی قدیمه هنوز به مثابه عتیقه‌جات در انحصار بایگانی‌های خانوادگی هستند که در معرض آسیب‌های چون سیل و حریق و سایر آفات‌اند. به لطف خدمات آرشیوها با حجم قابل قبولی از این اسناد روبه‌رو هستیم و حتی از این راه محقق با اسلوب نگارش و انشای هر عصر و روزآمد شدن دانش‌های سندشناسی، سندخوانی، سیاق و دیگر علوم یاری‌رسان به مطالعات تاریخی آشنا می‌شوند (خانمحمادی، ۱۳۷۳، ص ۸۷)؛ با وجود این، کاربرد و روش‌شناسی کاربردی این اسناد برای پیشبرد منویات مطالعات تاریخی و چالش‌های مربوط به آنها هنوز چندان شناخته نیست. اگرچه این مطالعه بر بنیان پژوهش سندمحور بوده، اهمیت نو و معاصر رخدادها بودن محتوا و متن اسناد اهمیت را مبلغ است، ولی فقدان روش و نظام مطالعات انتقادی سند موجب آشفتگی کاربرد آن در پژوهش‌های تاریخی شده است. حتی گاهی به برجستگی کاذب جایگاه و اهمیت اسناد در پژوهش‌ها دامن زده می‌شود که از آن می‌توان به‌عنوان «آفت سندزدگی» (حسن‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۵۷) یاد کرد. اسناد آرشیوی در بیشتر اوقات در کنار سایر منابع می‌تواند به تدوین تاریخ‌نگاری واقع‌بینانه کمک کند. نکته‌ای که محقق اسناد آرشیوها (به‌طور عام و اسناد خاندانی به‌طور خاص) باید مورد توجه قرار دهد. اینکه آرشیوهای دولتی و رسمی عموماً امکان دسترسی و استفاده از اسنادی را مقصور می‌سازند که مشروعیت و ارزش‌های مورد تأیید گفتمان رسمی و در چارچوب معهود را بازتاب دهند؛ درحالی‌که یکی از کارویژه‌های اسناد خاندانی و قومی (همانند اسناد محلی) راستی‌آزمایی و سنجش اعتبار برخی ارزش‌ها و انگاره‌های رسمی و دولتی در هر دوره است.

در بررسی و معناکاوی اسناد خاندانی به این نکته باید توجه شود که عموماً مبنای تحریر آنها بر یک پایه مثلاً اقتصادی و مالی است، ولی برای پژوهشگر اسنادی، سویه‌های چندوجهی را ارائه می‌دهد؛ به عبارت دیگر در اسناد اقتصادی می‌توان داده‌های بوم‌شناسانه، اجتماعی، مذهبی و حتی اداری و حکومتی را واکاوی کرد. این جنبه مثبت است، ولی شاید همان اطلاعات جنبی سند به‌دلیل محوری نبودن آنها در پیام موردنظر کاتب و

(با آن شناخته می‌شدند) عوض می‌شد یا در کنار یک خاندان همنام قرار می‌گرفت، شناخت ایشان دقت دوچندان می‌طلبید (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۶۹)؛ چنانچه کشف انساب اسنادی بتواند به درک تحولات اجتماعی و فکری، تطور نام‌ها و گرایش‌های دینی و مذهبی یا منطقه‌ای و محلی بینجامد و پیوندهای فکری خاندان‌های مختلف در یک منطقه در آیین‌های سنتی ایشان به درستی واکاوی گردد، می‌تواند به تبارشناسی قومی و فکری خاندان‌های مختلف یاری رساند و علم تاریخ را در رفع برخی از گسست‌های فرهنگی رهنمون باشد.

۲-۵. ضمانت

ادبیات اسلامی به تدریج در بین محرران و کاتبان ادبیاتی پدید آورد که مختص تطبیق اصول نظریه حقوق با ضروریات امور محضری بود؛ این ادبیات «شروط» نامیده می‌شد (گرونکه، بی‌تا، ص ۷۷). این شیوه احتمالاً به‌صورت دست‌نامه‌هایی به کاتبان اسناد خاندانی و قومی رسیده و پذیرفته شده بود. زمینه سنن عرفی و موقعیتی و شروط اسلامی و درج آنها به‌صورت دقیق در محتوای اصلی سند، شرایطی را برای تضمین اعتبار سند در بین افراد ایجاد می‌کرد. این بخش در بین علمای فقه با عنوان «خيارات» به معنای «در اختیار داشتن» و قدرت قانونی و شرعی آمده است که یکی از طرفین معامله برای منحل کردن عقد، آن قدرت را پیدا می‌کند (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه). اصطلاح «خيار» به معنای تسلط بر زائل کردن اثری است که از عقد حاصل می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۱۹۴). این بخش به وسیله کاتب اسناد (از جمله اسناد خاندانی)، به گونه‌ای ترقیم می‌شد که منازعات احتمالی را می‌توانست از بی‌دقتی، فقدان برخی عناصر یا تفسیرهای گوناگون مقامات محلی و اشخاص ناشی شود (گرونکه، بی‌تا، ص ۷۷). دقت در این بخش و تأکید بر آن، به گونه‌ای که حتی بخش زیادی از واژگان سند به آن پرداخته می‌شد، گویای اهمیت این بخش است. از آنجا که امکان وجود دست‌نامه‌ها برای محرران خاندانی و پذیرش چارچوب‌های اصلی آن در سبک نگارش دارای تنوع بودند، با توجه به نیاز یا سطح موضوع سعی می‌شد ثبات طرفین سند و میزان تعهدات وضوح بیشتری داشته باشد.

سند در پژوهش مؤثر است، همچنان‌که مطالبی که متعاملین و ذی‌نفعان سند برای کتبه سند در اختیار محرر قرار می‌دهند و ممکن است آغشته به پیش‌فرض‌های محرر از ایشان و قبض و بسط برخی از ارکان سند گردد که نباید از نظر دور داشت (ساماران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۷۸). پس بازآفرینی رخدادهای و عناصر فرهنگی اسناد خاندانی از سوی مورخ مطلق نیست و در عوض هرچه شواهد مادی و معنوی وی گسترده‌تر باشد، به عینیت تاریخی - که از آمال بنیادی علم تاریخ است - نزدیک‌تر می‌شود. معمولاً در چنین شرایطی مورخ به وادی تفسیر همدلانه و تخیل در چارچوب معناکاوی روشمند و مطابق با زمانه سند ورود می‌یابد.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه اهمیت پژوهش‌های اسنادی با رویکرد غیراثبات‌گرایانه مورد نظر است. معمولاً حقیقت متأثر از ساختارهای فرهنگی - تاریخی جامعه یا تجارب فرهنگی و تاریخی افراد است؛ براین اساس هر روایتی از رخدادهای، حتی در پرتوی بررسی اسناد، بازتاب مطلق یا عینیت تام و تمام گذشته نخواهد بود، بلکه بدین معناست که «آرشیوها در خدمت تاریخ و فرهنگ» قرار گیرند و تسهیلاتی برای پژوهشگران این حوزه فراهم آورند. استفاده از داده‌های تاریخی اسناد خاندانی، لزوماً به تدوین تاریخ نمی‌انجامد، بلکه از یک سو برای اعتمادسنجی و راستی‌آزمایی منابع دیگر به کار می‌روند و از سوی دیگر بر غنای اطلاعاتی مراجع می‌افزایند و سویه‌های نوینی را برای تاریخ‌ورزان در اختیار قرار می‌گذارند که هم لذت کشف دارند و هم مرارت فهم لایه‌های درونی و مستتر متن؛ درنهایت نیز به «ایجاد یک توالی در تحلیل‌های تاریخ» و درک آداب و رسوم اقوام و خاندان‌ها، به‌طور خاص در زمان نبود منابع و شکاف اطلاعاتی یاری می‌رسانند. یکی از رهاوردهای پژوهش‌های سندمحور خاندانی را می‌توان دستیابی و ادراک تبارشناسی اسنادی ذکر کرد که توالی و تحولات لایه‌هایی از جامعه که در منابع مختلف بسیار کم‌رنگ هستند، در معرض دید محققان قرار می‌دهد و بنیان توصیف‌ها و تحلیل‌های قوم‌نگارانه را ملموس‌تر و ریشه‌های فکری بسیاری از نهادهای اجتماعی را تبیین می‌کند.

محدودیت‌های مربوط به قالب و ساختار خاص هر سند، به‌صورت بسیار مختصر و حتی با لغزش ارائه شده باشند و پژوهشگر را به خطا بیندازد، زیرا سند روایتگر امور انسانی می‌باشد که «ترکیب تفکیک‌ناپذیری از خوبی و بدی» است (استنفورد، ۱۳۸۸، ص ۳۷۵).

افزون بر آگاهی به اغلاط نوشتاری ثبت شکل محاوره‌ای و قوم‌محور واژگان و التزام به لهجه و گویش محرران در ثبت برخی اسناد خاندانی، درک اصلیت و فرعیت (حتی جعل بودن) اسناد خاندانی بسیار اهمیت دارد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۴، ص ۴۰۱). اگرچه کشف فرع یا جعلیت سند دانش ویژه خود را می‌طلبد و این مطالعه تلاشی در تشریح راه‌های شناخت جعل سند ندارد؛ صرفاً به نمونه‌های موضوعی اشاره می‌شود که راقم این‌سطور در تجربه کار با اسناد مزبور روبه‌رو بوده است. برخی اربابان یا زمین‌داران بزرگ خاندان قباله زمین، آبادی یا قنات و آب را ایجاد یا تاریخ درج شده در اسناد را کم یا زیاد می‌کردند و معمولاً با شکایت با عنوان غصب و تصرف عدوانی دیگران روبه‌رو بودند. انتساب دروغین به افراد یا وقایع برای برساختن نسب‌نامه جعلی، به‌ویژه در زمانی امکان داشت که پای منافع اقتصادی و اجتماعی در میان بود. در این نمونه‌ها درک جایگاه و موقعیت تهیه‌کننده سند به‌عنوان کسی که در ثبت و ضبط سند چه نوع مداخلت و نفعی دارد، بسیار پراهمیت بود؛ براین اساس داشتن تخصص‌های چندگانه برای واکاوی داده‌ها و درک پیچیدگی‌های مربوط به آن از چالش‌های چنین اسنادی است. محقق اسناد خاندانی نیازمند آگاهی از سنن محلی و قومی و تا حدودی شناخت مکانیسم‌واره یا سازوکار ارزش‌ها و انگاره‌های عرفی و قومی است که شاید دیگر چنین رسومی پررنگ در میان اقوام حضوری نداشته باشند (استراسبرگ، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰).

بدیهی است محقق اسناد یادشده از مشاهده و دخالت مستقیم در پدیدارهای اجتماعی زمان سند محروم می‌باشد، ولی آثار این پدیدارها، اگرچه ممکن است تغییراتی در بازنمایی نونشان به‌دلایل مختلف در زمان‌های متفاوت رسوخ کرده، در اقوام و خاندان‌های معاصر به محقق یاری رساند. ناگفته پیداست اصل‌گزینش در چنین اسنادی از سوی محقق و ارزش‌های بافتاری موقعیتی خود وی بر بازنمایی و برون‌داد او از داده‌های

رویکرد تاریخ‌نگاری اسنادی این قابلیت را دارد که موضوعات کمتر در مرکز توجه محققان را نمایان کند و مطالعه جوانب دیگر انسانی را در دسترس قرار دهد و بدان‌ها اهمیت بخشد. این مهم در اسناد خاندانی دست‌یافتنی‌تر است و با توجه به اشکال و سنخ‌های مختلف در دسترس تاریخ اقتصادی، اشکال مختلف کشاورزی، ساختارهای درونی خاندانی و خانوادگی، زبان‌شناسی تاریخی اقوام که یکی از پرثمرترین دستاوردهای چنین اسنادی است؛ تطور آنها را پی‌گیری کند. تاریخ افکار، تاریخ عواطف، تاریخ آداب و رسوم و دیگر عناوین، همه اینها از موضوعات نوینی هستند که ارزش بررسی آنها در تاریخ مردم و خاندان‌ها وجود دارد.

منابع

۱. احمدزاده، محمدمامیر (۱۳۹۴)، «اهمیت کاربرد الگوها و روش‌های تحلیل اسناد در پژوهش‌های تاریخی»، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، س ۲۵، ش ۱۵، ص ۳۳-۵.
۲. استربرگ، کریستین (۱۳۸۴)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، ترجمه احمد پوراحمد و علی شماعتی، ج ۱، یزد: دانشگاه یزد.
۳. استفورد، مایکل (۱۳۸۸)، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
۴. اسکاچپول، تدا (۱۳۸۸)، بیئتش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه سیدهاشم آقاجری، ج ۲، تهران: نشر مرکز.
۵. اشرف، احمد (۱۳۶۸)، لقب و عنوان (در زمینه ایران‌شناسی)، به کوشش چنگیز پهلوان، تهران: انتشارات به‌نگار.
۶. اکبری، علی‌اکبر (۱۳۸۱)، «اهمیت اسناد در تاریخ‌نگاری معاصر»، مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج ۱، تهران: نشر مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۷. جانب‌الهی فیروزآبادی، محمدسعید (۱۳۹۰)، چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد، دفتر ۴، تهران: سبحان‌نور.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۹. حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۹۸)، «نقد روش‌شناسی سند در پژوهش‌های تاریخی؛ مورد اسناد ساواک»، مجموعه مقالات نقد روش‌شناسی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، به کوشش حسن حضرتی، تهران: نشر پژوهش‌گده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۰. خان‌محمدی، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، «روش کار با اسناد خطی»، گنجینه اسناد، س ۳، دفتر اول، بهار، ص ۸۶-۹۷.
۱۱. خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، «بازخوانی نیت‌مند اسناد در پژوهش‌های تاریخی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، س ۲، ش ۷، ص ۵۹-۹۲.
۱۲. رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۱)، فلسفه انتقادی تاریخ، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. روستایی، محسن (۱۳۸۹)، «تعابیری از سندشناسی و سندپژوهی و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۶، ص ۴۲-۴۹.
۱۴. زندیه، حسن و مریم بلندی (۱۳۹۴)، «راهکارهای شناخت استسهادنامه»، مطالعات تاریخی جهان اسلام، دوره ۳، ش ۶، ص ۷-۲۸.
۱۵. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۲۸۳۷۶.
۱۶. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۸۶۰۲.
۱۷. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۹۷۵۵.
۱۸. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۴۰۲۰۷.
۱۹. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۹۴۵۷.
۲۰. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۸۷۵۴.
۲۱. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۹۴۶۲.
۲۲. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۹/۳۹۳۶۹.
۲۳. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۶/۲۹۳/۴۲۸۰۶.
۲۴. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۳/۱۷۷۹۵.
۲۵. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۳/۳۰۵۵۹.
۲۶. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۳/۳۵۳۹۳.

۲۷. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۳/۱۲۱۹۳۴.
۲۸. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۳/۱۲۴۸۰۹.
۲۹. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۳/۷۴۴۳۶.
۳۰. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۳۲/۱۲۴۵.
۳۱. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۳/۱۲۱۹۳۴.
۳۲. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۶/۲۵۳۸۲.
۳۳. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۶/۲۰۶۱۹.
۳۴. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۲۹۶/۲۰۳۹۸.
۳۵. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۸/۶۴۰۵.
۳۶. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۹۹۸/۶۵۷۳.
۳۷. سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران (ساکما)، شماره بازیابی ۳۱۰/۱۱۲۰۵.
۳۸. ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، چ ۹، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۹. ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹)، «تأثیر بافت متنی بر معنای متن»، زبان‌پژوهی، س ۲، ش ۳، ص ۱۰۹-۱۲۴.
۴۰. ساماران، شارل (۱۳۷۰)، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه ابوالقاسم بیگناه و مهدی علایی و دیگران، ج ۱-۴، مشهد: آستان قدس.
۴۱. شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۶۴)، «شیوه‌ی کاربرد اسناد و مدارک در پژوهش‌های سیاسی و تاریخی»، مجله آینده، ش ۶ و ۷، س ۱۱، ص ۴۰۱-۴۱۳.
۴۲. شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (۱۳۸۰)، «کاتبان و قاضیان اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، نامه بهارستان، س ۲، ش ۲، ص ۱۳۷-۱۵۲.
۴۳. شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (بی‌تا)، «بازخوانی یک وقف‌نامه»، میراث جاویدان، س ۱، ش ۱، ص ۶۸-۷۲.
۴۴. شیر، طهمورث و ندا عظیمی (۱۳۹۱)، «بررسی مقایسه‌ای تحلیل محتوای کیفی و روش هرمنوتیک»، مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۴، ش ۱۵، ص ۷۹-۹۹.
۴۵. صادقی‌فسایی، سهیلا و عرفان‌منش (۱۳۹۴)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی»، راهبرد فرهنگ، ش ۲۹، بهار، ص ۶۱-۹۱.
۴۶. طالقانی، محمود (۱۳۸۱)، روش تحقیق نظری، ویراستار شهلا کاظمی‌پور، تهران: نشر دانشگاه پیام‌نور.
۴۷. فدایی‌عراقی، غلامرضا (۱۳۷۷)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی، تهران: سازمان سمت.
۴۸. فرانکفورد، چاوا و دیوید نچمیاس (۱۳۹۰)، روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لارجانی و رضا فاضلی، تهران: نشر سروش.
۴۹. گرونکه، مونیکا (بی‌تا)، «نگارش اسناد خصوصی در جهان اسلام»، ترجمه محسن ایمانی، میراث جاویدان، س ۱۶، ش ۶۲، ص ۷۴-۸۵.
۵۰. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چ ۳، تهران: زرین.
۵۱. مورلی، نویل (۱۳۹۸)، کاربرست نظریه‌ها، مدل‌ها و مفاهیم در تاریخ باستان، ترجمه فرهاد نام‌برادرشاد، تهران: مورخان.
۵۲. وبر، ماکس (۱۳۹۰)، روش‌شناسی علوم اجتماعی، حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز.